

تحلیل ژانر ادبی فرامتن در گلستان سعدی

هدیه قلی‌یار^۱

^۱. کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور واحد آمل، مازندران، ایران. رایانامه:

hedivegholivar@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله (۱۹۵-۲۰۹)

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

واژه‌های کلیدی: فرامتن، گلستان، ژانر ادبی، نثر مسجع

فرامتن از ژانرهای مطرح امروز و جزء ژانرهای تئوریزه‌نشده و احیاگری است که تبدیل به سیستم شده و ساحتی از ادبیات به شمار می‌آید که در هیچ ژانر و دیدگاه شعری و داستانی طبقه‌بندی نشده. فرامتن بازگشتی آوانگارد به جوه فرارونده تمام متون منثور مکتوب - حتی منظوم غیرشاعرانه- در سنت تاریخ ادبیات ملل کهن جهان است که با تمام عظمت هنری خود هیچ‌گاه در پارادایم جنسیت‌های ادبی شعر و داستان تعریف نشده‌اند. کلام سعدی در عین ایجاز، آیینۀ تمام‌نمای فصاحت و بلاغت است. از همین رو ما در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای، در پی آنیم که دیباچۀ گلستان و بسیاری از سطور تعلیمی آن (جدا از سطور داستانی-شعری‌اش) در کدام جنسیت ادبی جای می‌گیرند؟ با احترام به تمام پژوهش‌گران، معتقدیم که این دست‌آوردها تماماً تک‌وجهی بوده و شأن و اصالت کلمه آن چنان که باید در آنها حفظ نشده است. بنا بر مولفه‌های مکتب اصالت کلمه، متون موردنظر از چارچوبه‌های موجود فراروی کرده و در نهایت شاهد هم‌افزایی منسجمی هستیم که در یک متن عریان، خود را از قید و بندها رها کرده و از یکایک پتانسیل‌های کلمه بهره می‌برد. بنابراین بنیان‌روایت اینگونه متون هرگز در تعاریف کلاسیک و امروزی‌های شعر یا داستان قرار نمی‌گیرند بلکه آثاری فاخر، ادبی اما خارج از هستی‌شناسی شعری و داستانی‌اند. بر همین اساس این آثار بر پایه‌ی سیستم پیشنهادین آرش آذربیک در ژانر فرامتن قرار دارند و هیچ تعریف دیگری جز فرامتن را نخواهند پذیرفت.

۱. مقدمه

امروزه می‌بینیم بیش از آنکه از شعر فلان شاعر معاصر نقل قول شود جملات حکیمانه بزرگان در کلام سخن‌وران و حتی گفت‌وگوی عوام جریان دارد و این آیا می‌تواند چیزی باشد جز شکست برخی لایه‌های محدودکننده در ادبیات معاصر از متونی که نخواستند در تعریف و محدوده شعر و داستان بمانند و تنها زیبا، والا و هنری نگاشته شده‌اند؟

آرش آذرپیک در معرفی ژانر فرامتن می‌نویسد: «در ادبیات هر ملتی متونی یافت می‌شوند که به علت نامتعارف بودن نه می‌توانیم آنها را در ساحت شعرمحورانه قرار دهیم و نه داستان‌محورانه و جایگاهشان به ویژه در ادبیات اومانیستی به هیچ‌وجه مشخص نشده است حال آنکه چه از جنبه‌های زیبایی‌شناسیک و چه از لحاظ والایی‌شناسیک دارای وجوه هنری گران‌مایه‌ای هستند.» (نوروزعلی، ۱۴۰۰: ۱۴۹)

وی فرامتن را جنسیت سوم ادبیات و هم‌راستا با شعر و داستان دارای هویت و اعتباری مستقل می‌داند: «متن ادبی که همواره از جهت فقر ادبیت، یک گونه نازل و نارجمند به‌شمار آمده و در حاشیه ادبیات و مورد کم‌لطفی قرار گرفته؛ می‌تواند در صورت تبدیل به فرامتن در حدی متعالی شود که با کلمه‌محور شدن به صورت ژانری ارزنده و مستقل درآید و این فرصت و موهبتی‌ست برای رشد و ارتقای قلمی که عشق نوشتن دارد و دل‌سپرده‌ی ادبیات و زبان‌ورزی است.» (مولانا، ۱۳۹۹: ۸۳)

فرامتن‌نویس الزاماً قرار نیست شاعر یا داستان‌نویس باشد. او می‌تواند در همه شاخه‌های علوم انسانی و حتی تجربی و در تمام انواع نوشتار اعم از خطابه، زندگی‌نامه، متون حسی، نیایشی، تاریخی و... قلم بزند و شالوده آغازین نوشتاری‌اش همان علم، حیطة اندیشگانی یا عاطفی او باشد. مثلاً یک فیلسوف نگاه و نگرش هستی‌شناسیک‌اش هیچ ربطی به جهان شعری و داستانی ندارد بلکه تنها شیوه نگارش او در جهان ادبیات سامان یافته است یعنی آن فیلسوف فرامتن‌نویس نه می‌خواهد متنش را شاعرانه کند نه داستانی بلکه فقط در پی این است که یک متن کاملاً فلسفی را فقط و فقط از لحاظ نگارش، کاملاً هنری و ادبی بنویسد مانند «چنین گفت نیچه» که از لحاظ نگرش متنی فلسفی اما از نظر نگارش کاملاً ادبی‌ست. آذرپیک در دکتترین فرامتن نام این شیوه نگارش را فرامتن‌نویسی گذاشته و در بیانیه‌های گوناگون و کتب مختلف به شرح و تبیین آن پرداخته است.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

تمام پژوهش‌ها و کتب تالیفی در حیطه ادبیات به مباحث شعر و داستان و مفاهیم و زیرشاخه‌های مرتبط با این دو مقوله ختم می‌شود اما در این پژوهش به دنبال پاسخی مناسب هستیم تا دریابیم که آیا ادبیات جهان فقط در شعر و داستان خلاصه می‌شود یا می‌توان ژانری را معرفی کرد که نگرشش ربطی به جهان بینی‌های شعری و داستانی نداشته اما شیوه نگارشش از ساحات برجسته وجود هنری کلمه باشد؟ آیا سجع که همواره از دید منتقدان و صاحب نظران آرایه‌ای ادبی بوده می‌تواند ژانری مستقل در ادبیات پارسی باشد و نهایتاً به طور مشخص به بررسی گلستان بپردازیم چرا که در عرصه ادبیات ایران از گذشته تا امروز شاید اثری به اندازه گلستان سعدی چالش برانگیز نبوده و با اختلاف آرای منتقدان و صاحب نظران مواجه نشده باشد آن گونه که همگی در چپستی جنسیت ادبی آن در مانده‌اند که آیا شعر است یا داستان؟

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

ضرورت این بررسی برمی‌گردد به ضرورت تئوریزه کردن ژانر فرامتن توسط آرش آذرپیک برای برخی شاهکارهای ادبی در جهان. ما در این پژوهش دبیاجه گلستان سعدی و برخی از سطور تعلیمی آن را مصداق قرار داده‌ایم زیرا بسیاری از شاهکارهای ادبی و در این مصداق متن آغازین گلستان سعدی در هیچ یک از طبقه‌بندی‌های آکادمیک ادبیات جهان قرار ندارند به علت آنکه هیچ‌کدام از سیستم‌های شعری و داستانی نتوانسته‌اند به گونه‌ای متدیک حتی درباره آن سخن بگویند و ژانر فرامتن در شاکله‌ای روشن، متمایز و متدیک به طبقه‌بندی آکادمیک این گونه متون دست یازیده و شیوه‌های نگارشی آن را نیز برای قلم‌های نوگرا اما اصیل تئوریزه کرده و به‌عنوان سیستم‌هایی نگارشی برای تولید محتواهای ادبی پیشنهاد داده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

درباره شیوه نگارش گلستان سعدی مقاله‌های آکادمیک فراوانی ارائه شده حیدری و محمدفؤاد (۱۳۹۷)، به «بررسی تحلیلی مصادیق سودگرایی اخلاقی در گلستان سعدی» پرداخته‌اند. حسینی سروری و جهان‌شاهی (۱۳۹۸) در «آیا گلستان سعدی مقامه است؟» به همین پرسش پاسخ داده‌اند. بهمن و همکاران (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در

گلستان سعدی» را بررسی کرده و خداکریمی (۱۳۹۶)، «سعدی و بزرگان ادبیات کلاسیک آلمان‌زبان» را قیاس کرده است. همچنین ذوالفقاری (۱۳۹۵)، «شگردهای زبانی در گلستان سعدی» را مشخص نموده اما تا کنون از نگرگاه «ژانر فرامتن» به گلستان و هیچ‌کدام از آثار سعدی پرداخته نشده و این مقاله در این زمینه نوآور و مفید برای پژوهش‌های بعدی خواهد بود.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. فرامتن ژانر سوم ادبیات جهان

از آغاز تمدن و فرهنگ بشری، متونی در ادبیات جهان بوده و هستند که در هیچ‌کدام از طبقه‌بندی‌های شعر و داستانی جای نمی‌گیرند اما از وجوه هنری بالایی نیز برخوردارند. ژانر فرامتن، سیستماتیک کردن و تئوریزه کردن این‌گونه متون از آغاز تا همیشه است.

فرامتن یکی از ژانرهای نوظهور در ادبیات پیشرو امروز است که برای اولین بار در عاشقانه‌های آخرین ملکه هخامنشی و توسط آرش آذربیک به جهان معرفی شد. فرامتن ژانری جهانی، نامحدود و گشوده به‌روی تمام پتانسیل‌های کلمه‌محور هنری در تمام ادبیات دنیاست و شعریت آن هرگز محدود در ساحات مورد پذیرش ادبیات نبوده و نخواهد بود. تمام تکنیک‌ها، فرم‌ها، ساختارها، صنایع، بدایع و آرایه‌های شعر و داستانی با حفظ اصالت و بنیان‌روایت فرامتن‌بودگی و بی‌قید و شرط بودن آن از لحاظ شریعت ادبی و گشوده بودن آن به دنیای بی‌پایان هنری کلمه در متن، آزاد است. «شعر همواره در درازنای تاریخ ادبیات ایران جایگاه ویژه‌ای داشته و ادبیاتمان شعرمحور بوده اما دیدگاه اصالت کلمه می‌خواهد که بار دیگر ادبیات ایران به‌سان ادبیات پیشامشروطه شود که هم نثر بود و هنر، هم نظم بود و هنر یعنی ادبیات تنها در انحصار الهه‌های شعر و داستان نباشد و فقط در حیطه شعریت و قصویت تعریف نشود یعنی هم نثر چشمه همواره زاینده ادبیات و هم نظم چشمه همواره پاینده ادبیات باشد و ادیب بودن و قلم هنری داشتن در ادبیات فقط در انحصار شاعران و داستان‌نویسان نباشد چرا که برخی از متونی که جملات قصار، مفاهیم فلسفی عظیم و... هستند سرشار از وجوه هنری‌اند.» (همتی، ۱۴۰۱: ۱۸) «نقد شاعرانگی و داستانانگی فرامتن پیشاپیش در دادگاه تاریخ ادبیات قابل قبول نبوده و مردود است زیرا تعهد، تقید و تعیین شعر و داستانی و به تبع آن شریعت شعر و داستانی ندارد.» (مولانا، مارال، ۱۳۹۹: ۸۳)

و اما مکتب اصالت کلمه با کشف، احیا، ابداع و تئوریزه کردن ژانر فرامتن بر بنیان ادبیات کلمه‌گرا، بازگشتی پیش‌روانه به اصالت‌های فرارونده ادبیات و زبان طبیعی و فاخر پارسی در نثر دارد که سرشار از پتانسیل‌های گونه‌گون است. منظور ما از زبان فاخرانه، نوشتن؛ به کار بردن واژگان نامأنوس شبه عربی و یا زبان قدیمی اوستا و ایران باستان نیست. سجع‌نویسی را نیز هرگز با عربی‌نویسی یکی نمی‌دانیم. «فاخرانگی زبان یعنی ما هنوزهنوز زبان حافظ و سعدی را که زبان طبیعی و پشتوانه فرهنگ و ادبیات کهن است می‌فهمیم.» (آذریک، ۱۳۹۷: ۱۲)

آذریک فرامتن را ژانری جهانی و فراتر از محدوده ادبیات می‌داند: «در واقع فرامتن خاص ادبیات ایران نیست. آن‌گونه که هدف لائوتسه از نگاشتن کتاب «تائو ته چینگ» که متنی معنوی و در عین حال اندیشه‌گانی-فلسفی است؛ خلق شعر یا داستان نبوده اگر چه حتی در صورت برگردان به زبان دیگر باز هم بسیاری از زیبایی‌های هنری کلمه‌محور در آن مشهود است.» (مسیح، ۱۴۰۰: ۸۵) بنابراین به جرئت می‌توان گفت فرامتن آزادترین ژانر ادبی جهان است.

با عنایت به این توضیحات، متن آغازین گلستان سعدی که یک شاهکار جاویدان، باشکوه و بی‌بدیل در زبان و ادبیات پارسی است نمونه‌ای برجسته از ژانر فرامتن است.

۲-۲. فرم نوشتاری فرامتن

آرش آذریک برای نوشتن متون در این ژانر ادبی فرم دایره‌چین را پیشنهاد داده که آن هم فلسفه خاص خود را دارد: «سطرها با علامت دایره که نماد خورشید است از هم جدا شده و در عین حال به هم پیوند می‌خورند زیرا خورشید نماد یگانگی، مرکزیت و آشکار بودن است. در فرم دایره‌چین همه سطرها مانند اشعه خورشیدند که از یک مرکز واحد سرچشمه می‌گیرند و ساختاری منسجم دارند.» (مولانا، ۱۳۹۸: ۲۲)

۲-۳. انواع فرامتن

آن‌گونه که در آنتولوژی زبان‌نویسان ایران و تحت عنوان خیزش کوتاه‌نویسان شعر ۱۴۰۰ عریانیسم، به‌قلم زینب نوروزعلی آمده؛ فرامتن در گونه‌های مختلف ادبی رخ نموده که در اینجا برای پرهیز از اطناب، خلاصه‌وار به آن اشاره کرده و برای هر کدام فقط به ذکر یک مثال بسنده می‌کنیم:

-نیایش‌های هنری مانند مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری
 -متون فلسفی هنری مانند رساله‌ی حی بن یقظان (ابوعلی سینا)
 -اندرزنامه‌های هنری مانند مرزبان‌نامه (مرزبان بن رستم بن شروین طبری)
 -متون تاریخی هنری مانند تاریخ بیهقی (ابوالفضل بیهقی)
 -مقامه‌های هنری مانند مقامات حمیدی (حمیدالدین بلخی)
 -خطابه و سخنرانی‌های هنری مانند سخنرانی مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۳
 -زندگی‌نامه‌های هنری مانند تذکره الاولیا (عطار نیشابوری)
 -سفرنامه‌های هنری مانند سفرنامه‌ی ناصرخسرو
 -نامه‌های هنری مانند منشآت قائم مقام فراهانی
 -وصیت‌نامه‌های هنری مانند وصیت منسوب به گابریل گارسیا مارکز
 -جملات قصار هنری مانند گفتار بزرگان و بیشتر ضرب‌المثل‌هایی که جنبه‌ی هنری دارند؛
 البته ژانر فرامتن به دلیل بسیط بودن و پتانسیل بالایی که دارد می‌تواند در حیطه‌های
 گوناگون ادبیات نو مانند خاطره‌نویسی و گزارش‌های هنری و... نیز نمود پیدا کند.

۲-۴. نمونه‌هایی از ژانر فرامتن در مکتب اصالت کلمه (عریانیسم)

در اینجا برای نمونه بخش‌هایی از سه نوع فرامتن (فلسفی، تغزلی و مسجع) را ارائه می‌دهیم.
 فرامتن فلسفی به قلم آریو همتی:

«و عشق • اکسیری که حرکت بسیط را • تسهیل می‌کند •

در تمام جهات وجودی • از بعدی که در آنم • وجود را • برای حرکت شورانیده شده
 است •

جهان چهاربعدی: ذهن انسان / کلمه- در مقام متکثر

عقل‌گرا می‌شوم با تو • برای ادراک کلاسیست‌ها • عاشق می‌شوم • که با تو بتوانم
 رومانتیست‌ها را • بهتر ادراک کنم... • و با تو • به ادراک همه‌ی انسان‌ها خواهم رسید •
 سرخپوست می‌شوم • و میان سراپه‌های رنگی • در مکزیکوسیتی عشق را با تو تجربه می‌کنم •
 و در ارتفاعات تبت • «گوچن چوبا» وار • به قواره می‌دوزمت • چقدر به من می‌آیی • ای بی‌تاب
 رؤیایی! • ای همه عشق! • همه شور! • همه احساس! • در قلۀ تعقل • به حکایت انگشت
 می‌رسیم و انگشت...»

فرامتن تغزلی اثر رابعه شمس:

«تنها یک چیز می‌تواند جهان سیاست‌مداران را بر هم ریزد• تنها یک کس می‌تواند تمام سرمایه‌داران را به زانو در بیاورد• و آن زنی است که خلوت با کتاب را از هزاران حجله بیشتر دوست بدارد• یعنی دختری که معشوق ابدی‌اش کلمه باشد• دختری که هم‌گام با دوستش قدم در بازار بگذارد• زیر کفش‌های پاره‌اش دنیای پوشالی خاله‌زنک‌های جهان را لگدمال کند• و آنگاه نایارش به سان تمام دختران شهر مبهوت برق سینه‌ریزها و النگوها شود• و دست او را بکشد و بگوید می‌خواهم به جایی تو را ببرم که تمام این زرق و برق‌ها پیش آن زغال‌هایی خاموشند.»

فرامتن مسجع اثر هنگامه اهورا:

«و آن‌گاه که سقراط قلندرانه‌تر از عین‌القضات یک دست شوکران ممات و یک دست شاخ نبات مرگ را برات می‌دانست و ابدیت را سرچشمه حیات پله‌پله از نفسانفس زمین بالا رفت و به آنجا رفت که یکی از پریان گمشده دریا رفت و آنگاه که برگشت دیوانه و سرگذشتش نقل هر افسانه شد که هر چه توفان بی‌قراری آن پری پریشان است برای رفتن به باغ آسمان از قصه سقراط دل‌خون و آن پری پریشان‌مجنون یکی باخبر بود از یاران بی‌چون با نام نامی افلاطون که شرح قصه سایه‌ها و عار و آتش را برای اهالی باغ می‌گفت و کلمه کلمه نور نه که چل چراغ می‌گفت از نیستان آتش‌خیز فراق می‌گفت...»

۲-۵. گلستان سعدی در آرای منتقدان

در تمامیت تاریخ ادبیات جهان و با وجود بی‌شمار شاهکارهای ماندگار و رنگ به رنگی که میراث فرهنگی ملل را در اعصار گوناگون بنیان نهاده‌اند ما فقط و فقط با یک مقوله‌بندی ادبی مواجه می‌شویم و آن تقسیم ادبیات به دو شاهراه شعر و داستان است. در عرصه ادبیات ایران از گذشته تا امروز شاید اثری به اندازه گلستان سعدی چالش‌برانگیز نبوده و با اختلاف آرای منتقدان و صاحب‌نظران مواجه نشده باشد آن‌گونه که همگی در چپستی جنسیت ادبی آن درمانده‌اند که آیا شعر است یا داستان؟ محمدتقی بهار بر این باور است که «سعدی در حقیقت نثر ساده را با پیرایه‌ای مختصر از صنعت و شعر به این پایه و مایه بالا برده و شیوه‌ای نو که می‌توان آن را شعر منثور نام داد به وجود آورده است.» (بهار، ۱۳۶۱: ۱۵۴) و گلستان را مقامه می‌داند: «گلستان سعدی در واقع مقامات است و می‌توان آن را ثانی‌ترین مقامات قاضی حمیدالدین شمرد.» (همان: ۱۲۵)

غلامحسین یوسفی گلستان را نثری به دور از تکلف و تصنع می‌داند: «هنر بزرگ سعدی این است که نثر فارسی را از چنگ تکلف و تصنع و آرایشگری‌های زنده و کلمات و ترکیبات دور از ذهن و فضل‌فروشی نجات داده و بدان اعتدالی مطبوع و موزون بخشیده است.» (یوسفی، ۱۳۷۸: ۲۷۲) دینانی نثر سعدی را به شعر نزدیک می‌بیند: «حافظ به شعر سخن گفت و سعدی به نظم و نثر. نثرش از شعرش کمتر نیست و شعرش از نثرش کمتر نیست. نثرش اینقدر زیباست که به شعر نزدیک است.» (ابراهیمی دینانی: ۱۳۹۲) و حسین خطیبی با وی هم‌داستان است: «نویسنده از انتقال نثر به شعر، شیوه‌ی انشا و مفهوم کلام را چنان به شعر نزدیک می‌کند که در این بست و گسست هیچ‌گاه معنی از مسیر ارسال و اطلاق به بیراهه‌ی تطویل و اطناب نمی‌افتد به خصوص در موضوعی که شعر را به طریق تکمیل و متمیم معنی نثر در سلک عبارت جای می‌دهد که در این گونه موارد نثر و نظم چنان به هم می‌پیوندند که نشانه‌ی قطع و وصل در آن محسوس و نمودار نیست. اشعار، تناسبی تمام با معنی دارند به گونه‌ای که در بیشتر موارد اگر شعر از رشته‌ی عبارت برداشته شود معنی ناقص و ناتمام به نظر می‌رسد.» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۶۱۳)

محمد خزائلی گلستان را ترکیبی از نظم و نثر می‌خواند: «اجزای سخن در عین استقلال و گسستگی، با هم پیوستگی معنوی دارند. به صورت پراکنده می‌نمایند و به معنی جمعند. هر جزء مرکب از نثر و نظم است. باز میان قسمت‌های نثر و نظم رابطه برقرار است و در عین حال هر یک به جای خود مستقل و تمام است.» (خزائلی، ۱۳۵۳: ۱۹۲) «گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که سعدی شاعر و نویسنده‌ی پارسی‌گوی در آن به ذکر واقعیات زندگی انسان و نصایح اخلاقی در یک دیباچه و هشت باب به نثر مسجع پرداخته است.» (علایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸۴)

از نگرگاه یلمه‌ها و همکارانش در این جاودان‌شاهکار سعدی نه نظم غالب است نه نثر بلکه آن را توأمان در عین منظوم‌منثور بودن، منثور منظوم می‌خواند: «وی (سعدی) از شعر در حیطة نثر کمک می‌گیرد و نثر خود را هم در میدان شعر وارد می‌سازد یعنی کلامش منظوم منثور و بالعکس منثور منظوم است.» (یلمه‌ها و همکاران، ۱۳۹۳: ۱) «روش نگارش آن (گلستان)، سبک بینابین «موزون مرسل و موزون فنی» است.» (همان)

در این میان حسن ذوالفقاری توجهش را به دیباچه‌ی این اثر گرانسنگ چنین بیان می‌کند: «نثر سعدی غالباً خصلت زبان شاعرانه یا شعر منثور پیدا می‌کند و این در دیباچه نظرگیرتر است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۵۰) و اقبالش را در زبان و حکایات آن می‌جوید: «تلفیق

و آمیختگی نظم و نثر در گلستان چنان است که خواننده حس نمی‌کند از عالمی وارد عالمی دیگر شده است چون نثر آهنگین است به زبان سهل و ممتنع و به لحنی نزدیک به محاوره. «همان» نثر ادبی سعدی در بستر حکایات جاری است و حکایت خود عنصری است هنری و مؤثر در تکامل نثر هنرمندانه سعدی. «همان» محمدجعفر محجوب نیز می‌گوید: «نخستین کسی که توانست در نثرنویسی سادگی را با صنعتگری درآمیزد و از هر یک به اندازه لازم سود جوید و به راه افراط و تفریط نرود، شیخ اجل سعدی است.» (محجوب، ۱۳۵۲: ۳۲۵)

با شواهدی که از منظر منتقدان و اهالی قلم و اندیشه در مورد ژانرشناسی گلستان سعدی و متد نگارشی آن ارائه دادیم پرواضح است که هیچ کس نتوانسته حق مطلب را ادا کند. ملک‌الشعرای بهار نیز برای اولین بار آن را به شیوه‌ای نگارشی در ادبیات کلاسیک عرب با نام «مقامه» نسبت داده که مورد پذیرش بسیاری از نویسندگان قرار گرفته و جای بحث بسیار دارد. نظر محمدعلی فروغی در مورد زبان سعدی تأمل برانگیز است: «سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است بلکه پس از هفتصد سال ما به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم.»

هم‌چنین گفته حسن ذوالفقاری: «سعدی گاه نثر مرسل و مصنوع را به هم پیوند می‌زند و زبانی ابتکاری پدید می‌آورد.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۵۰)

و این تفاوت و ابتکار زبانی از دیدگاه آرش آذریچک برمی‌گردد به فرامتن بودن دیباچه گلستان و بخش‌هایی از آن که جنبه تعلیمی دارند و حتی شیوه نگارشی حکایت‌های گلستان که می‌توانست به نثر مرسل و معمول نیز نوشته شود و در داستانانگی اثر خدشه‌ای وارد نیاید.

۲-۶. نمونه‌هایی از ژانر فرامتن در گلستان سعدی

حکیمی پسران را پند همی‌داد که جانان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطرست یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولتست هر کجا که رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سختی بیند. (کلیات سعدی، باب هفتم)

- سر جمله حیوانات گویند که شیر است و اذل جانوران خر و به اتفاق خر باربر به که شیر مردم در. (همان، باب اول)

-عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت، من بنده امید آورده‌ام نه طاعت و به دریوزه آمده‌ام نه به تجارت. (همان، باب دوم)
 -سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست. (همان، باب هشتم)
 -رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیکان، عفو کردن از ظالمان جور است بر درویشان. (همان)
 -عالم ناپرهیزگار کور مشعله‌دار است. (همان)

۲-۷. سجع در گلستان سعدی

سیروس شمیسا در سبک‌شناسی نثر می‌نویسد: «یکی از شیوه‌های نثر فارسی، نثر موزون یا مسجع است که بر دو گونه نثر موزون مرسل و نثر موزون فنی می‌باشد. نثر موزون مرسل که مصداق کامل آن در آثار خواجه عبدالله انصاری خصوصاً مناجات نامه او دیده می‌شود و دیگری نثر موزون فنی که در مقامات حمیدی موجود است... این شیوه را بعدها به جز یکی دو نفر، میبیدی صاحب کشف‌الاسرار و امیر حسینی صاحب نزهت‌الارواح، کسی دنبال نکرد اما بعدها سعدی در قرن هفتم با تلفیق این دو شیوه، نثر موزون فنی و نثر موزون مرسل، گلستان را نگاشت.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۴)

۲-۸. ژانر احیاگرانه سجع نوین پارسی در مکتب اصالت کلمه

آرش آذربیک با احیاگری سجع قدیم که میراث ارزنده گذشتگان تاریخ باشکوه ادبیات ایران است و اندکاندک در لابه‌لای اوراق متون کهن به فراموشی سپرده شده بود ژانر سجع نوین را با تعریفی متفاوت ابداع کرد: «در سجع‌نویسی نوین اصالت متن به قدرت‌نمایی شاعر برای به رخ کشیدن تسلط بر کلمات هم‌قافیه و هم‌وزن برای سجع‌پردازی نیست و در هر حال اصالت با ادبیت اثر است و سجع ساحتی از آن ادبیت به شمار می‌آید نه روح مسلط. سجع در آثار عریانیستی فقط در ساحت منشور اتفاق نمی‌افتد بلکه در هر هفت دستگاه موسیقی و ازگان پارسی توانش حضور و ظهور و نمود دارد.» (همان)

۲-۸-۱. ویژگی‌های سجع نوین از منظر آرش آذربیک

-بهره‌مندی از بحر طویل بدون فضای افراطی آن
 -بهره‌گیری از سیستم سطر‌نویسی و تقطیع شعر آزاد ایران برای سجع‌نویسی در عین و حین
 ایجاز‌مندی و ایجاز‌مندی در عین و حین سجع‌نویسی

- استفاده از ردیف
- بلند نبودن جمله
- به حداقل رسیدن فعل
- به حداقل رسیدن جمله
- به حداقل رسیدن تتابع اضافات
- سجع یکی از ساحت‌های خنیاگرایی و فاخرانگی متن است
- اصل با شعریت است نه سجع
- جملات مانند متون مکتب خراسانی کوتاه و بلند نیست
- و...

وی برخلاف آنچه منتقدان و صاحب‌نظران از گذشته تا امروز در مورد سجع گفته‌اند معتقد است: «در باورداشت اصالت کلمه، سجع و به عبارت دیگر خنیا

کلمات ساحتی لاینفک از جوهره‌ی گفتاری-آوایی کلمات یعنی ذاتی کلمات است. ما همانند نیاکانمان سجع را آرایه‌ای ادبی نمی‌دانیم زیرا آرایه چیزیست که از خارج بر متن تحمیل شده باشد و آن‌گاه که این ساحت خنیاگرانه‌ی کلمات را آرایه بیندازیم خودبه‌خود بر عدم جوهرانگی ساحت گفتاری-آوایی کلمه حکم داده شده که این پنداشت در باورداشت ما پیشاپیش محکوم و غلط دانسته می‌شود.» (همان)

و اهالی ادب را به سجع طبیعی و خنیا‌ی ذاتی کلمات فراخوانده و از تکلف، تصنع و تقید در این زمینه برحذر می‌دارد: «ما با شعار نزدیکی به خنیا‌ی طبیعی زبان پارسی، سجع‌نویسی نوین را در متون خود آغازیده‌ایم زیرا به زعم ما سجع در ادبیات کلاسیک به جز در چند مورد انگشت‌شمار در دام‌چاله‌ی عربیت‌نویسی و طبیعت‌زبان، ما را به جای آنکه به خنیا‌ی طبیعی زبان پارسی نزدیک گرداند مورد هجوم‌ی عربی‌زدگی قرار داد زیرا توازن و هم‌قافیگی در سجع با عنایت به چهارده صیغه‌ی افعیل صرف و نحو عربی برای کسانی که می‌خواستند خود را ادیب‌تر و متن خود را فرافهم‌تر از درک عام نشان بدهند با شکستن سد واژگان عربی به روی متون مسجع ولایات و کشتزاران نژاده‌ی زبان پارسی را تخریباتخریب کردند.»

آذریپیک در مورد زبان سجع نوین می‌نویسد: «سجع‌نویسی نوین بر پایه و سرمایه‌ی واژگان امروزی در زبان پارسی است. قصد ما سره‌نویسی نیست اگرچه سره‌نویسی نیز می‌تواند در این میانه یکی از شاخه‌های سجع‌نویسی نوین قرار بگیرد.» (آذریپیک و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۱)

۳- نتیجه‌گیری

ما در این جستار با نگاهی اجمالی اما کاملاً علمی و دانشورانه به بررسی ژانر فرامتن پرداخته و به عنوان مثال رگه‌های برجسته آن را در گلستان سعدی مورد واکاوی قرار دادیم. آرش آذرپیک فرامتن را برای نخستین بار با سیستمی تئوریک ابداع و آثار فرامتنی را که در تمام ملل و تاریخ ادبیات جهان وجود دارد به‌طور متدیک، سیستماتیک و متمایز از شعر و داستان به عنوان شیوه‌ای نگارشی احیا کرد. فرامتن حلقه گمشده هنر مکتوب جهان و ضلع سوم مثلث ادبیات است که در کنار شعر و داستان در عین حال که بخش عظیمی از تاریخ ادبیات را در بر می‌گیرد آزادترین ژانر ادبی جهان است که منحصر به جهان شعری و داستانی نمانده و فقط در شیوه نگارشی جزء لاینفک ادبیات جهان است. نگرش یک فرامتن‌نویس ربطی به جهان‌بینی‌های شعری و داستانی در ادبیات ندارد اما شیوه نگارشش از ساحات برجسته وجود هنری کلمه است - برخلاف فراشعر و فراداستان (از ژانرهای مکتب اصالت کلمه) که سیستم نگرشی فراشعر، شاعرانه و سیستم نگرشی فراداستان، داستانی بوده اما نگارش هر دو بر اساس تمام پتانسیل‌های هنری کلمه است.

ما در این مقاله ضمن بررسی فرامتن به سجع نوین نیز به عنوان یکی دیگر از ابداعات آرش آذرپیک پرداختیم. سجع نوین از منظر عریانیسم نه یک آرایه بلکه ژانریست ادبی که خنثی‌ای آن ذاتی کلمات است. بنا بر همین اساس ما به شیوه‌ای مستدل ثابت کردیم که که دیباچه و سطور صرفاً تعلیمی گلستان در هیچ یک از طبقه‌بندی‌های ژانرشناسیک پیشاعریانیستی ادبیات تعریف نشده و صرفاً با درک سیستم فرامتن می‌توانیم جایگاه آن را در ادبیات ایران و جهان به گونه‌ای دانشورانه مشخص و متعین کنیم و این مهم تا پیش از این مقاله در هیچ مقاله علمی دیگری به نگارش درنیامده بود.

کتاب‌شناسی

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «حکمت نظری و حکمت عملی در آثار سعدی»،
سعدی‌شناسی، شماره ۱۶
- آذریچک، آرش (۱۳۹۷)، *دوشیزه به عشق باز می‌گردد*، کرمانشاه: دیپاچه
- آذریچک، آرش (۱۳۹۹)، *و آنگاه شیخ اشراق عاشق می‌شود*، تهران: مهر و دل
- آذریچک، آرش و همکاران (۱۳۹۶)، *چشم‌های یلدا و کلمه - کلید جهان هولوگرافیک*، جلد اول،
چاپ ۲، تهران: روزگار
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۱)، *سبک‌شناسی*، تهران: امیرکبیر
- خزائلی، محمد (۱۳۵۳)، *نکاتی درباره گلستان و بوستان*، مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره
تحقیقات ایرانی، به کوشش غلامرضا ستوده، جلد ۲، تهران: دانشگاه تهران
- خطیبی، حسین (۱۳۷۵)، *فن نثر در ادبی فارسی*، تهران: ۱۳۷۵
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷)، «زیبایی‌شناسی نثر سعدی»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۱۰، شماره ۳۷،
صص ۵۰-۷۰
- رزمجو، حسین (۱۳۷۰)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: آستان قدس
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، *سبک‌شناسی نثر*، چاپ ۳، تهران: میترا
- علایی، رقیه؛ سارا، علایی خرایم؛ ویس کرمی، حسنعلی (۱۳۹۷)، «نقد گلستان سعدی از دیدگاه نظریه
شناختی-اجتماعی بندورا»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۴۶۱ -
۴۸۴
- فروغی، محمدعلی (۱۳۶۳)، *کلیات سعدی*، تهران: امیرکبیر
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۵۲)، *زبان سعدی و پیوند آن با زندگی*، مقالاتی درباره زندگی و شعر
سعدی، به کوشش منصور رستگار فسایی، دانشگاه پهلوی شیراز
- مسیح، نیلوفر (۱۴۰۰)، *جنس سوم عاشقانه‌های یک فرازن*، کرمانشاه: دیپاچه
- مصلح بن عبدالله سعدی (۱۳۸۹)، *کلیات سعدی*، کاظم عابدینی مطلق، چاپ ۲، قم: اسوه
- مولانا، مارال (۱۳۹۸)، *عاشقانه‌های آخرین ملکه هخامنشی*، تهران: اریکه سبز
- مولانا، مارال (۱۳۹۹)، «بررسی ژانر نوظهور فرامتن»، *فرازنان ایران*، شماره ۵، صص ۸۳ - ۸۶
- نوروزعلی، زینب (۱۴۰۰)، *آنتولوژی زبانه‌نویسان ایران*، خیزش کوتاه‌نویسان شعر ۱۴۰۰ عریانیسم،
تهران: شاپرک سرخ
- نوروزعلی، زینب (۱۴۰۰)، *فرامرد معشوق باستانی زن‌های مشرقی*، تهران: شاپرک سرخ

همتی، آریو (۱۴۰۱)، *فرامرد شفای عاشقانه بوعلی سینا*، تهران: امید سخن
یلمه‌ها، احمدرضا؛ رجبی، مسلم (۱۳۹۳)، «تأثیرپذیری گلستان سعدی از آموزه‌های تعلیمی
قابوس‌نامه»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱ - ۲۸
یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۸)، *دیداری با اهل قلم*، جلد اول، مشهد: دانشگاه مشهد

Analysis of Fara-text literary genre in Golestan-e-Saadi

Hediyeh Gholiyar^۱

^۱. Master's degree, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Amol Branch, Mazandaran, Iran. Email: hediyegholiyar@gmail.com

Article Info (۱۹۵-۲۰۹)

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
۱۷ April ۲۰۲۲

Accepted:
۲۷ April ۲۰۲۲

Keywords:
Fara-text
Golestan-e-Saadi
literary genre, Saj
prose
school of word
originality

Fara-text is one of the most popular genres today, introduced by Arash Azarpeyk, and is one of the non-theorized and revival genres that has become a system and a field of literature that is not classified in any genre or poetic or fictional perspective. The Fara-text is the return of the avant-garde to the transcendental aspects of all written prose texts - even non-poetic poems - in the tradition of the history of the literature of the ancient nations of the world, which, for all their artistic grandeur, have never been defined in the paradigm of literary genres. Saadi's words are both concise and a mirror of eloquence and rhetoric. Therefore, in this research, by descriptive-analytical method and using library resources, we seek to understand in which literary genre the preface of Golestan and many of its educational lines (apart from its fiction_poetry lines) belong? And with respect to the achievements made by researchers in this work, we believe that they are completely one-sided and the dignity and originality of the word has not been preserved as it should be. According to the components of the school of word originality, the texts in question have transcended the existing frameworks, and finally we see a coherent synergy that in an Orian text, frees itself from the constraints and uses each of the potentials of the word. Thus, the basis of the narrative of such texts is never in the classical and modern definitions of poetry or fiction, but are glorious, literary works which are outside the poetic and fictional ontology. Accordingly, these works are based on the proposed system of Arash Azarpeyk in the Fara-text genre and will not accept any definition other than Fara-text.